



فیلم علمی-تخیلی دیدنی که نادیده گرفته شدند

فهرستی که در ادامه مطالعه خواهید کرد ترکیبی از ۱۰ فیلم علمی تخیلی است که در طول سالیان گذشته به دلایل مختلف نادیده گرفته شده اند.

فهرستی که در ادامه مطالعه خواهید کرد ترکیبی از ۱۰ فیلم علمی تخیلی است که در طول سالیان گذشته به دلایل مختلف نادیده گرفته شده اند. برخی از آن‌ها از آثار کارگردانان شناخته شده هستند و برخی دیگر نیز سازندگان گمنامی دارند، اما هر کدام ارزش دو یا حتی سه بار تماشا را دارند.

به گزارش پایگاه خبری تیک (Tik.ir)؛ بازیگران تمامی این فیلم‌ها نقش آفرینی‌های تحسین برانگیزی داشته و داستان فیلم‌ها نیز جذابیت‌های خاص خودشان را دارند. از این رو انتظار می‌رود که پس از تماشا، با فهرستی که تهیه کرده ایم موافق باشید و از تماشای آن‌ها لذت ببرید.

۱- چری ۲۰۰۰ (۱۹۸۷)

فیلم «چری ۲۰۰۰» (Cherry ۲۰۰۰) اولین تجربه کارگردانی استیو دی یارنات بود. شاید فیلم «میراکل مایل» (Miracle Mile) می‌توانست جای این فیلم را بگیرد، اما فیلم «میراکل مایل» در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و دیگر نمی‌توان آن را فیلمی نادیده گرفته شده نامید. «چری ۲۰۰۰» برای مدتی حتی رضایت سازنده‌اش را نیز از دست داد تا اینکه دی یارنات پس از تماس غیرمنتظره هارلان الیسون که نویسنده داستان‌های علمی تخیلی بود و از علاقه خود به فیلم گفت، یارنات نیز نظرش را در مدر این فیلم تغییر داد.

فیلم بر اساس سناریویی از مایکل آلمریدا ساخته شده و در موردی یک تاجر موفق است که زن رباتیکش دچار مشکل شده است. سپس او به کمک یک زن راهنما و مسیریاب به بیابان می‌رود تا جانشین همسر-ربات خود را بیابد. داستان فیلم در فضایی شبیه فیلم‌های «برزیل» (Brazil) و «مکس دیوانه» (Mad Max) رخ می‌دهد.

۲- راه حل کرم مردار (۲۰۰۶)

«راه حل کرم مردار» (The Screwfly Solution) در واقع اپیزودی از یک آنتالوژی فصل دوم سریالی به نام «استادان وحشت» (Masters of Horror) است. ویروسی در جهان شیوع پیدا کرده و مردان را به دیوانگانی قاتل تبدیل می‌کند. خشونت آن‌ها با شهوت جنسی‌شان در ارتباط است که به قتل‌های گسترده زنان منتهی می‌شود.

جو دانت، کارگردان این اپیزود این ایده را گرفته و آن را با دیدگاه خشونت‌گرایانه ادیان بنیادگرا از هر نوعی، در دیدگاه خشونت‌آمیزشان نسبت به زنان ترکیب می‌سازد. این اپیزود خود در واقع یک فیلم مجزاست که در آن دانت از همان بازیگران همیشگی خود و با حس شوخ طبعی‌اش برای ساخت یک داستان علمی تخیلی سراسر استفاده می‌کند.

۳- جعبه (۲۰۰۹)

فیلم «جعبه» (The Box) تاکنون آخرین کار ریچارد کلی، کارگردان فیلم «دانی دارکو» (Donnie Darko) بوده است که فیلمی دیوانه‌کننده و غم‌انگیز است. این فیلم تا حدودی بر اساس یک رمان کوتاه نوشته ریچارد متیسون ساخته شده است. بر اساس داستان فیلم با فشار دادن یک دکمه می‌توانید صاحب میلیون‌ها دلار پول بدون نیاز به پرداخت مالیات شوید، اما در مقابل یکی می‌میرد و این نکته فرعی ترسناک‌ترین چیز در مورد این فیلم است.

در واقع می‌توان این فیلم را یک بازگشت به تئوری‌های توطئه دهه ۷۰ در مورد موجودات فرازمینی و سفر در زمان دانست. بازیگران فیلم بازی‌های خوبی از خود ارائه می‌دهند از جمله کامرون دیاز که در یکی از معدود فیلم‌های خوب دوران حرفه‌ای‌اش حضور دارد. همچنین از برخی جهات می‌توان این فیلم را زندگینامه‌ای دانست، زیرا پدر کلی برای ناسیا کار می‌کرد و شخصیت‌های دیاز و ماردسن در واقع نسخه‌های داستانی پدر و مادر خود او هستند.

۴- قیامت (۱۹۹۱)

اینکه آیا «قیامت» (The Rapture) را می توان فیلمی علمی تخیلی دانست یا خیر کمی بحث برانگیز است. در این فیلم دیوید داجوونی و میمی راجرز نقش دو رقصنده در زمان حال لس آنجلس بازی می کنند. راجرز با یک گروه مذهبی روبرو می شود که می گویند قیامت در راه است و او در نهایت این موضوع را باور می کند. سبک زندگی آن ها به یکباره تغییر می کند و آن ها به مسیحیانی تازه متولد شده تبدیل می شوند.

راجرز رفته رفته دیوانه می شود و ظاهراً پیام هایی مستقیم از خداوند دریافت می کند. او به صحرا می رود و انتظار اتفاق بزرگ را می کشد جایی که اتفاقات عجیب و غریبی رخ می دهد. اما در نهایت مشخص می شود که همه چیز حقیقت دارد.

از آنجایی که در انتهای فیلم پایان دنیا رخ می دهد می توان آن را فیلمی علمی تخیلی دانست و اگر چه از دیدگاهی دیگر شاید داستان فیلم را یک پروپاگاندای مسیحیت ببینید، اما می توان فیلم «قیامت» را یک درام تاریک در مورد خطرات باور های دینی نامعقول دانست.

۵- حباب (۱۹۸۸)

فیلم «حباب» (The Blob) توسط چاک راسل و با همکاری فرانک دارابونت ساخته شده است. این فیلم در واقع نسخه بازسازی شده فیلمی به همین نام در سال ۱۹۵۸ با بازی استیو مک کوئین است. در نسخه راسل، فیلم در مرد یک اسلحه بیولوژیکی ساخته شده توسط یک آژانس دولتی است که در شهر کوچکی در کلرادو مورد استفاده قرار می گیرد. فیلم برداشتی بدبینانه از ایده «حباب» است و برخی از بهترین و واقع گرایانه ترین جلوه های ویژه در آن به کار گرفته شده است.

متاسفانه این بازسازی علیرغم این که از نسخه اصلی بهتر است، اما به نحوی نادیده گرفته شده است. اگر چه نمی توان آن را فیلمی در حد فیلم های «مگس» (The Fly) و «موجود» (The Thing) در دهه ۸۰ و فیلم های بازسازی شده در دهه ۹۰ دانست، اما فیلمی جذاب بوده و شایستگی توجه بیشتری را دارد.

۶- دنیای آبی (۱۹۹۵)

فیلم «دنیای آبی» (Waterworld) اگر چه در دوران اکرانش شکست سختی هم در گیشه و از دیدگان منتقدان خورد، اما در سال های بعد جایگاه یک فیلم کالت را به خود گرفت. این فیلم را می توان یک «مکس دیوانه» روی آب دانست که یکی از بامزه ترین بازی های دنیس هوپر را در آن شاهد هستیم. «دنیای آبی» یکی از آخرین فیلم های پرهزینه ای بود که به جای جلوه های ویژه کامپیوتری از جلوه های ویژه واقعی استفاده می کرد و به همین دلیل طراحی صحنه و دکور آن حیرت انگیز است و البته پیام زیست محیطی زیبایی نیز دارد.

به نظر می رسد که جاه طلبی و غرور کوین کاستنر باعث خراب شدن این پروژه و شکست تجاری آن شد، زیرا تدوین صورت گرفته توسط کوین رینولدز، کارگردان فیلم، با چیزی که در زمان اکران شد بسیار متفاوت بوده و کیفیت بسیار بالاتری داشت. با این وجود تماشای این فیلم خالی از لطف نخواهد بود.

۷- هیچ چیز ابدی نیست (۱۹۸۴)

این یکی فیلمی است که شاید نتوانید آن را پیدا کنید، زیرا هیچگاه به طور رسمی اکران نشده است. «هیچ چیز ابدی نیست» (Nothing Lasts Forever) یک کمدی رمانتیک علمی تخیلی است که در آن شخصیت گیلیگان سوار اتوبوس شده و به ماه می رود. داستان فیلم در آینده شهر نیویورک رخ می دهد که البته شبیه دهه ۱۹۲۰ است، جایی که یک حکومت بوروکراتیک خالی از مغز بر جهان تسلط دارد.

تام شیلر، کارگردان این فیلم، دیگر هیچگاه فیلم بلند نساخت، اما بسیاری از فیلم های کوتاهی که در برنامه «زنده شنبه شب» (Saturday Night Live) برای سال ها منتشر می شد توسط او ساخته می شدند. بیل ماری و جان آکرود نقش های کوتاهی در فیلم دارند و جان بلوشی نیز قرار بود در آن حضور داشته باشد، اما مدت کوتاهی قبل از آغاز فیلم برداری درگذشت.

۸- آنون (۲۰۱۸)

این جدیدترین فیلم اندرو نیکول است که به خاطر کارگردانی «گاتاکا» (Gattaca) و نویسندگی فیلم «نمایش ترومن» (The Truman Show) شناخته می شود. فیلم «آنون» (Anon) بلافاصله پس از ساخت وارد کانال های استریمینگ شد، اما شایستگی سرنوشت بسیار بهتری را داشت.

فیلم تا حدود زیادی وام دار «گزارش اقلیت» (Minority Report) بوده و در دنیایی در آینده رخ می دهد که نمی توانید در فضای آنلاین بدون هویت و گمنام باشید. کلایو اوون نقش کارآگاهی را بازی می کند که مرتباً با یک زن جوان روبرو می شود که هیچ هویتی ندارد.

در جریان یک پرونده قتل حل نشده، کارآگاه به این زن مشکوک می شود. این فیلم علمی-تخیلی نوآرگونه برخی از ایده های جالب در مورد خطرات دیکتاتوریت در فضای مجازی را بیان می کند. اگر چه فیلم مورد استقبال زیادی قرار نگرفت، اما یک فیلم علمی هوشمندانه است که دو بازی فوق العاده را در آن شاهد هستیم.

۹- ثانیه ها (۱۹۶۶)

فیلم «ثانیه ها» (Seconds) را نمی توان فیلمی بسیار نادیده گرفته شده دانست، اما تماشای آن تا سال ها پس از تولید سخت بود، اما اخیراً که نسخه هایی با کیفیت از آن منتشر شده، منتقدان از آن با عنوان یکی از بهترین فیلم های جان فرانکنهایمر یاد می کنند. «ثانیه ها» حاوی برخی از فوق العاده ترین فیلم برداری های تاریخ سینما از جیمز وونگ هو با استفاده از لنز های چشم ماهی برای ایجاد یک فضای غریب و تنگ و تاریک است.

راک هادسون در یکی از معدود نقش هایش که می تواند به آن ها افتخار کند حاضر شده است. جان رندولف نقش آرتور همیلتون را بازی می کند، یک مرد میانسال که زندگی اش بی ارزش شده است.

در همین اثنا یک سازمان مخفی به سراغ او رفته و پیشنهاد یک زندگی تازه به او می دهد. بدین ترتیب او طی چندین عمل جراحی در شخصیت تونی ویلسون با بازی هادسون فرو می رود. همیلتون/ویلسون در یک رویای بوهمیایی در ساحل مالیبو زندگی می کند و رفته رفته مشخص می شود زندگی او آن طور که به نظر می رسد نیست. این فیلم پیچش های داستانی تاریکی داشته و با یکی از بهترین پایان بندی های تاریخ سینما به پایان می رسد.

فرانکنهایمر عمداً از بازیگرانی استفاده کرد که در فهرست سیاه هالیوود قرار داشتند و انتخاب هادسون نیز عمدی بود، زیرا او در آن زمان یک زندگی مخفیانه به عنوان بازیگری همجنسگرا داشت. تلاش های زیادی در دهه ۱۹۹۰ برای بازسازی این فیلم صورت گرفت که بر شهرت فیلم افزود.

۱۰- اگزیزستنز (۱۹۹۹)

فیلم علمی تخیلی «اگزیزستنز» (eXistenZ) به کارگردانی دیوید کراننبرگ در مورد واقعیت مجازی و دنیا های موازی است. شخصیت های داستان از طریق درگاه هایی که روی بدنشان نصب شده وارد یک بازی ویدیویی می شوند، اما یکی از طرفداران دیوانه بازی سعی دارد سازنده بازی را به قتل برساند. سازنده که یک زن است همراه با مردی به نام تد پیکول وارد دنیای بازی شوند و در ادامه آن ها در جلسه شاهد اتفاقاتی هستند که واقعیت و بازی را با هم ترکیب می کنند.

برترین ها: در پایان با یک پیچش داستانی حیرت انگیز روبرو می شویم. همانند دیگر فیلم های کراننبرگ، در این فیلم نیز شاهد بازیگران با استعداد و بزرگ و البته بازی هایی قابل تحسین هستیم.

منبع: tasteofcinema